

(ناصر به مدرسه نیامد۔ دوستِ او حامد فکر مند شد۔ بعد از مدرسه بخانۂ ناصر رفت۔ ناصر در

خانه بود۔ حامد او را سلام کرد۔)

حامد : السلام علیکم

ناصر : و علیکم السلام ، بیا ، بنشین۔ (حامد نزد او بر صندلی می نشیند)

حامد : برادر ناصر! چرا به مدرسه نیامدی؟

ناصر : دیروز من ناخوش بودم۔

حامد : چه شده؟

ناصر : سرما خوردم۔ دست و پای من درد می کند۔

حامد : برای علاج کجا رفتی؟

ناصر : به پزشکی رفتم و دوا آوردم۔

حامد : آیا دوا خوردی؟

ناصر : بلی ، خوردم۔

حامد : حالا چطور هستی؟

ناصر : حالا سرما کم است و درد نیز کم شد۔

حامد : فردا مدرسه می آئی؟

ناصر : انشاء اللہ ، می آیم۔

حامد : خوب است۔ امید دارم غافل نباشی۔ خدا حافظ!

ناصر : خدا حافظ ، متشکرم۔



Sick - ناخوش

I am thankful - متشکرم

To suffer from cold - سرما خوردن

A physician - پزشکی

پرسش

Answer the following questions:

مندرجہ ذیل سوالوں کے جواب دیجیے:

۲۔ حامد به خانۂ ناصر چرا رفت؟

۱۔ ناصر چرا به مدرسه نیامد؟

۴۔ برای علاج ناصر کجا رفت؟

۳۔ ناصر چه مرض داشت؟

۵۔ در مرض سرما خوردگی ، حالتِ ناصر چطور بود؟